پیوست : چکیده‌ای از گفتوگوی اینترنتی در مورد «اختلاف قرائات»

[1]من برای اینکه مطلب برای ادامه بحث هم برای خودم و هم برای خوانندگانی که فرصت مطالعه کامل گفتگوی مذکور را ندارند، واضحتر شود و بلکه زحمت شما کمتر شود خلاصه‌ای از بحث مذکور را در اینجا می‌آورم:

در تاپیک مذکور (**با عنوان: اختلاف قرائات**) سوال این بوده که:

> **«چگونه اختلاف قراءات با عدم تحریف قرآن سازگار است؛ مخصوصا اختلاف قراءتهایی که معنا را تغییر می دهند»**
> **پاسخ اولیه این بوده که:**
> **تحریف، تغییر دادن عمدی کلام است به غیر اصل آن، اما اختلاف قرائت هر چند معنا تغییر کند اما تغییر دادن نیست، و خود شارع مقدس جلوگیری از اختلاف قرائات نفرموده، بلکه فقها نقل اجماع میکنند که خواندن نماز به هر یک از قرائات سبعه صحیح است.**

سپس برای فهم بیشتر مساله فرموده‌اید:

> **«چند نکته باید در نظر گرفت:**
> **۱- روایت نزل القرآن علی سبعة احرف**
> **۲- روایت کذبوا انما وه واحد نزل من عند واحد**
> **۳- آیا اصل قرآن، مکتوب و صحیفه است یا ملفوظ و مقرو است؟ دلالت آیات نیاز به تدبر تام دارد، یعنی عنصر پایه را باید فهمید.**
> **۴- آنچه جبرئیل علیه السلام آورده چگونه بوده؟ خود آن هر عنصرش منشور ذو وجوه بوده یا طور دیگری؟ بنده مکرر عرض میکنم به نظر میرسد قرآن تعدد قرائات برای او لازم بوده نه اینکه فقط برای سهولت مکلفین اجازه داده باشند.**

بعد از چند در و بدل کلام، فرموده‌اید:

«بنده مکرر عرض می‌کنم الفبای تحقیق در متن‌شناسی و تفسیر قرآن، تمام کردن بحث حروف مقطعه قرآن است، می توان به راحتی از کنار آن عبور کرد و خود را راحت کرد و هر چه خواست علیه قرآن گفت تا روزش برسد و صبح دولتش بدمد، اما بنده به اشاره روایات اهل البیت علیهم السلام عرض می‌کنم: هر چه بخواهید در این حروف هست! علم کل شیئ فی عرق! گفت چه فایده دارد این حروف الم‌ص؟! فرمودند بس کن و بشمار: الف، یک؛ لام، سی؛ الی آخر روایت، که بحث سنگین خودش را دارد، ولی منظور من این است اصل اربتالی بودن را می‌رساند، و شما را ارجاع می‌دهم به روایت کافی کتاب فضل القرآن فیه خبر السماء و الارض الخ
... ما تا کیفیت وحی را ندانیم چگونه عنصر پایه وحی را بفهمیم؟!، پس از عرق می‌فرمایی کذلک یوحی!!! لذا اگر حروف مقطعه را فهمیدیم می فهمیم عوارت است ای مرات، و تا نفهمیدیم در حرج نیستیم، مالصدرا می‌گوید عرفا همه قرآن را به صورت حروف مقطعه می‌بینند! به نظرم در مفاتیح الغیب او دیدم.
من هیچگاه ادعا نکردم از حروف مقطعه سر در می‌آورم!! بنده عرض کردم متدولوژی متن‌شناسی قرآن نقطه آغازی دارد، و می‌دانی مدل‌های الگوریتمی و پیشرفت در یک موضوع، بحث خاص خود را دارد و ربطی به آگاهی از مقداردهی متغیرهای آن ندارد.»

سپس بحثی تا پست 34 درگرفته بین حضرتعالی و کاربر «خیرالبریه» درباره اینکه اشان معتقد بوده که شیطان هنگام استماع افراد قرآن را، در شنیدن افراد تصرف می‌کرده و شما این موضع را به چالش کشیده و نپذیرفته‌اید و در پست 34 در پاسخ به درخواست اشان درباره نظرتان درباره ریشه اختلاف قرائات فرموده‌اید:

«به نظر بنده، اختلاف قرائات امر لا ینفک از ریخت تقابلی قرآن با تکوین است، چون قرآن کریم کتاب تدوینی است که کتاب تکوین را در خودش نگاشت کامل می‌کند، و همانگونه که در شبکه کتاب تکوین، بعض مؤلفه‌ها در نُود قرار می‌گیرند و نقش چند منظوره دارند، به همین وزان در کتاب تدوین، طبق ضوابط سمیولوژیک، بعض نشانه‌ها نقش چند منظوره دارند، و از همین‌جا قرآن به زبان دارای پایه همخوان نازل شده، و واکه‌ها به صورت اعراب ظاهر می‌شوند، و این خود زمینه نشانه‌های چند منظوره را فراهم می‌کند.

و در پست 39 درباره اینکه «چرا خداوند چنین پیام چند منظوره فرستاده» توضیح داده‌اید:

«پیام چندمنظوره هم محتوا را افزایش می‌دهد و هم مخاطب را، و سر سوزنی حقیقت را مخفی نمی‌کند! مثل اگر یک آگهی تبلیغاتی همزمان در یک نما تبلیغی، تبلیغ چندین جنس و چندین شرکت و چندین طرح بهداشتی و سلامتی و بهزیستی و ... را ارائه دهد، احدی می‌گوید حقیقت را مخفی کرده است! پیام چندمنظوره چند حقیقت را با هم عرضه می‌کند بدون اینکه حقیقتی را مخفی کند.» و سپس درباره آیات متشابه توضیح داده‌اید که: «اگر در خود آیه شریفه دقت کنید هرگز قرآن نمی‌فرمایی آیات متشابه موجب فتنه می‌شوند، بلکه می‌گوید ریخت تکوینی آیات متشابه همانند کراست که کسی که سوء نیت دارد می‌تواند از آن استفاده بد بکند بدون اینکه ربطی به جایگاه صحیح خلق کراد داشته باشد، و اخر متشابهات کام الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تاویله، آیه می‌فرمایی به خاطر طلب فتنه، آیات متشابه را پی جویی می‌کنند.»

و پس از اصرار اشان بر اینکه اختلاف قرائات منجر به وجود تضاد در محتوای وحی می‌شود در پست 41 توضیح داده‌اید

> «بنده اشتمال یک نشانه چند منظوره بر مطالب متضاد را یکی از زیباترین موارد کاربرد نشانه‌ها می‌بینم! و شواهدی هم در روایات دارد، مثل قتل الانسان ما أکفره! یک مذمت آشکار و نفرین بر انسان کافر است! اما در روایت تاویلی آیه می‌بینید می‌گوید: منظور از انسان، امیر المؤمنین ، و ایّ شئ کان سبب قتله؟ هل کان کافرا؟ ایّ شیء أکفره؟! من ایّ شئ خلقه الی آخر الروایة.»

دوباره بحث شما با کاربر مذکور به فلسفه وجود شیطان و مساله شر کشیده شده (که به نظرم باز به حاشیه رفتن بحث است) تا اینکه در پست 51 در پاسخ به سوال ایشان درباره معنای آیه 52 سوره حج ظاهرا نظر نهایی خود درباره معنای آیه 52 سوره حج (که مورد استناد کاربر مذکور برای انتساب مداخله شیطان در استماع وحی توسط افراد بوده را چنین شرح داده‌اید:

> «والذين سعوا في آياتنا معاجزين أولئك أصحاب الجحيم (51) وما أرسلنا من قبلك من رسول ولا نبي إلا إذا تمنى ألقى الشيطان في أمنيته فينسخ الله ما يلقي الشيطان ثم يحكم الله آياته والله عليم حكيم (52)»
> «آیه ۵۲ سوره مبارکه حج را باید با آیه ۵۱ فهمید، و الذین سعوا فی آیاتنا معاجزین، کلمه آیاتنا همانگونه که برای آیات لفظی به کار میرود در موارد متعدد برای آیات تکوینی هم به کار رفته است، برای بدن فرعون تعبیری آیه و آیات شده: الیوم ننجیک ببدنک لتکون لمن خلفک آیة و ان کثیرا من الناس عن آیاتنا لغافلون، و ای در وصف غار اصحاب کهف تعبیری آیات دارد: و تری الشمس الی قوله تعالی: ذلک من آیات الله، و این نظیر خیلی دارد.
> وقتی اسلام کمکم رو به رشد گذاشت و جمعیت مسلمین زیاد میشد و آیاتی نظیر شق القمر و سایر معجزات و کرامات، ظهور میکرد که اصل دین را ثابت میکرد، افرادی نظیر ابوسفیان و ولید بن المغیرة و امثالهم ناراحت بودند، انه فکر و قدر، بعد از فکرها گفت: ان هذا الا سحر یؤثر! این جنگ نرم بود، و امثال ابوسفیان هم تدارک جنگ سخت میکردند و چقدر سختی برای مسلمین فراهم کردند، پس این تلاش آنها در آیه ۵۱ اشاره شده است، سعوا فی آیاتنا معاجزین.
> در آیه ۵۲ خداوند متعال پیامبرش را تسکین میدهد، میفرماید: هیچ صاحب رسالت و پیام بزرگ نیست مگر اینکه تدبیر میکند بهترین راندمان را در تبلیغش داشته باشد، اما شیاطین هم دست به کار هستند و نمیگذارند خواستههای آرمانی او انجام شود و در مسیر تحقق آن سنگاندازی میکنند، و خداوند هم در دو مرحله آثار تخریب شیاطین را از بین میبرد، اول نسخ کوتاهمدت، و سپس إحکام درازمدت، میفرماید این شیاطین این همه برای شما زحمت ایجاد کردند با فتح مکه همه آنها نسخ میشود، لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک و ما تاخر، و نسخ، محو و بیثمر کردن تلاش آنهاست، یعنی اصل دین میماند و تلاش آنها برای محو اصل دین به نتیجه نمیرسد، با غدیر یئس الذین کفروا من دینکم، ولی هشدار فلا تخشوهم و اخشونِ.برای فتن عظیمه منافقین بر همه اتمام حجت میکنند، اما مرحله نهائی که محکم کردن تمام عیار آیات است، در آینده دور (ثم یحکم در قبال فینسخ) محقق میشود، یعنی همان روز لیظهره علی الدین کله، همان روز فسوف یاتي الله بقوم، و در ادامه در آیات ۵۳ به بعد، رمز و حکم قضیه بیان میشود.
> دوست گرامی، ببینید ابن عاشور یکی از بهترین تفاسیر معاصر را نوشته، استاد دانشگاه تونس است و عربزبان، در التحریر و التنویر میگوید: اساسا بنده در اصل اینکه ماده تمنی و امنیة در زبان عربی به معنای قرائت باشد شک دارم، و شواهد لغویین را کافی نمیداند، چقدر این حرف او مؤید آن پیشنهاد بنده است که اصلا عرب از تمنی و امنیة قرائت نمیفهمد!

دوباره برخی بحث‌ها با ایشان تکرار شده (از جمله اینکه بحث اختلاف قرائت، که مورد اذعان همگان بوده، غیر از بحث جواز یا عدم جواز خواندن دو قرائت در یک نماز است، که اختلافی است) **[و انصاف انصاف شما در اینجا ستودنی است. یعنی با اینکه در مخالفت شما با وهابیت کمتری تردیدی نیست، اما به کاربر «خیراندیشه» نشان میدهید که تناقضی که**

ایشان در بحث اختلاف قرائت به وهابیت نسبت میدهد واقعا درست نیست. حقیقتا اینجا به یاد آیه «لایجرمنکم شنئان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی» افتادم] به تا اینکه در پست ۵۷ در پاسخ به این سوال ایشان که« عقلا نباید این دو با هم فرق داشته باشند؟ چطور مالک با ملک یکیه؟» نکته مهمی درباره مکانیسم نزول به عنوان یک احتمال مطرح میکنید:

نقل قول:

> **«و واضح است فرقی ندارند! خدای سبحان، مالک روز قیامت نیست که هست! او ملک روز قیامت نیست که هست! و یکآیه هر دو صفت مالکیت و ملکیت را نشان ندهد که میدهد! از این کثیر نقل کردی تواترش را! پس چه مشکلی است؟!**
> **اما نحوه نزول آن، میتواند دو بار ملک وحی بخواند، اما امروزه وسائل جدید با پیشرفت تکنولوژی، بسیاری از استبعادها را از بین میبرد، شما خود میتوانید امتحان کنید، در یک فایل صوتی، بگویید: مالک، و در یک فایل دیگر بگویید: ملک، و سپس آن را با نرمافزار ویرایش صوت، معکوس کنید، و سپس گوش کنید! میبینید ممکن است در آن واحد، یک حامل صوتی، دو محمول و دو مدول داشته باشد! لذا قلب مبارک محل نزول وحی، همگی را در عالم ملکوت، یکجا میشنود، ولی در عالم انسوت چارهای نیست که تکرار کند.»**
> **مجددا بعد از چند رفت و برگشت تکرارگونه در پست 61 توضیح داده اید:**
> **«هر چیزی نیاز به ضابطه دارد، قراءات هم ضابطه روشن دارد، هر قرائتی که سنخش سنخ اجتهاد به رأی و ملاحظه قواعد لغت و نحو و صرف و امثال اینها ای اعتباراتعقلائیه است اصلا قابل اعتنا نیست و مردود به خود قاری است، و هر قرائتی سنخش سنخ روایت سلسله مراتبی است تا زمان نزول وحی و استماع از پیامبر خدا ، اگر ضعیف باشد نیز حجت ندارد، و اگر موثوق الصدور باشد حجت شرعیه دارد، پس برای کسانی که تحقق تعدد واقعی قراءات مشکل است طبق ضوابط تعادل و تراجیح عمل میکنند، و کسانی که میگویند واقعا قراءات متعدد از ناحیه خدا وجود داشته هیچ تعارضی نیست و مخیر هستند در آنچه حجت شرعی دارند.»**

سپس ایشان سوالی درباره تسمیه مصحف و کتاب الله مطرح کرده و اشارهای به مصحف حضرت علی کرده و شما به این مناسبت در آخرین نوشته آن تاپیک (پست ۶۳) به این نکته اشاره کرده اید که:

نقل قول:

> **«اینجا نکته مهمی است، و اگر زنده بودم هر چه در این باب میدانم در تاپیک مصاحف میآورم إن شاء الله تعالی، ولی خلاصه آن اینکه در منابع مکرر صحبت از مصحف علیّ شده است (برای نمونه کتب علوم القرآن مثل الاتقان در بحث ترتیب سور) اما با این حال اسمی از آن در قضیه جمع آوری و احراق عثمان مصاحف را نیست، و این از طرفی هم از عجائب است به طوری که ابن ابی داود میگوید اصل امام علی است که با اینکه خود اهل سنت چارهای ندارند بپذیرند حضرت مصحف داشتهاند اما هیچ خبری از آن ندارند، مگر یک مورد مصحفی در بین ساادات بنی الحسن بوده که اگر توفیق بود بعدا عرض میکنم.»**

و بحث آن تاپیک در همینجا به انتها رسیده است[2].

[1] اصل مطالب این پیوست، مربوط است به یک گفتگوی اینترنتی با عنوان اختلاف قرائات که در در سایت باشگاه جوانان مسلمان.صورت گرفته است. مطالبی که در بالا مشاهده می کنید خلاصه گفتگوهاست که آقای سوزنچی با نام کاربری Hosein- آن را به زیبایی مطرح فرموده اند و به صورت یک پُست در ضمن مباحث موضوع «مصاحف قرآن کریم؛ شبه وولگرامی تحریف ناپذیری» به اشتراک گذاشته اند.

لازم به ذکر است که مطالب داخل کادر مستطیل شکل، بیانات استاد است که بدون تغییر ذکر گردیده است.

[2] پست استاد در تقدیر از خلاصه گیری آقای سوزنچی: «سرور گرامی، خیلی زحمت کشیدید و مطالب را آوردید، بنده فراموش کرده بودم، و شما با این خلاصه‌گیری خوب، سبب یادآوری مجدد شدید، جزاکم الله خیرا.»

بازبینی #2
ایجاد شده 27 مارس 2025 13:07:42 توسط ... .
به روزرسانی شده 27 مارس 2025 13:15:20 توسط ... .